من صلوة فعلى من صليت وما لعنت من لعن فعلى من لعنت انت
ولیی فی الدنیا والآخرة توفنی مسلما والحقنی بالصالحین
کلو لبیک وارد است بلفظ تثنیه مضاف که مراد بان تکریر و تکثیر اجابت است
ای مرة بعد اخری وماخوذ است از لب بالمکان اذا اقام وکذا اراد سعدیک یعنی تکریر
وتکثیر مساعدت است ودر بعضی شروح است که از لبیک ماخوذ است تلبیه حج
مصدر است بمعنی لبیک گفتن در حج وبمعنی جواب دادن خواننده ولفظ لبیک نزد
بعضی مثنی نیست بلکه مانند علیک والیک است حلفت بکسر لام وبسکون لام
با فتح حا وکسرش در قاموس است حلف یحلف حلفا وبکسر حلف کلکتف وحلوفا
انتهی وحلف بمعنی سوگند نذر پیمانی و واجب گردانیدن بر نفس خود چیزی را از سبیل
تبرع از عبادت وصدقه مثلا وحق تعالی مدح ابرار فرموده بقول خود یوفون بالنذر
لتنذر صلوة بمعنی دعاست از بنده وبمعنی رحمت از خدا لعن راندن ودور کردن
از نیکی ورحمت ولعنت ... است توفاه الله ای قبض روحه قوله لبیک الخ
یعنی در کتاب عمل الیوم واللیلة ابن سنی ودر نسخه صحیحه بدل رمز ابن سنی رمز
صحیح مستدرک حاکم ومسند امام احمد ومعجم کبیر طبرانی مروی است از زید بن ثابت
این دعا را آنحضرت که پیغمبر خدا او را تعلیم فرمود ولبیک در اصل البا لک البابین بوده
ای مقیم بر طاعت برای تو اقامة بعد اقامة ومجیبم دعوت ترا اجابة بعد اجابة
وسعدیک در اصل اسعدک اسعادین بود ای مساعدت ومتابعت میکنم ترا
مساعدة ومتابعة مرة بعد اخری پس از البابین واسعادین حذف زواید کردند
لبین وسعدین گشت ولام الب لک را حذف کرده هر یک را مضاف کردانیدند
بسوی کاف پس نون از هر یک باضافت افتاد لبیک وسعدیک شد هر یک مفعول
مطلق نیست

مطلق نیست که ناصبش واجب الحذف است کما تقرر فی محله قوله والخیر فی یدیک
ای هر چیزی که هست اگرچه بعضی از آن در ضمن شر باشد در تصرف تست وتحت
قدرت کاملهٔ تست ونقل الاقتصار بر ذکر خیر از باب الاکتفا است یا از قبیل حسن
ادب است در مقام ثنا اکثر علما برین اند که لفظ ید در قرآن وحدیث مفرد وتثنیه
وجمع مجاز است از قدرت وعلاقه آنکه اکثر ظهور قدرت در همین دست است
وتثنیه ید برای افاده کمال قدرت است زیرا که در اعمال دو دست تاثیر زیاده است
از اعمال یک ید پس در لفظ یدین مجاز است هم باعتبار ماده وهم باعتبار صورت
یا در تثنیه ید ایماست بصفت جلال وصفت جمال از قبض وبسط وجلال وجمال
درد است که لفظ ید بمعنی قدرت حقیقت نیز عبیر باشد وبعضی از سلف فرموده اند
که لفظ ید از جمله متشابهات است که اعتقاد باین واجب است با اثبات تنزیه
در ارتکاب تاویل قوله منک والیک یعنی از تست وصول خیر بسوی ما وبسوی تست
رجوع حال ومال ما یا از تست توفیق بر طاعات وبسوی تست التجا از سیئات یا از تست
ابتدار موجودات وبسوی تست انتهای آن منک المبدأ والیک الماب قوله
اللهم ما قلت الخ یا رب خدایا هرچه گفته ام از قولی که طلاق باشد یا عتاق یا بیع
وغیره سوای حلفت ونذرت بقرینه مقابله یا هر سوگندی که خورده ام یا هر نذر
کرده ام پس مشیت واراده تو سابق است بر همه این افعال وبلفظ قول تعبیر
از هر فعل که باشد رواست وتخصیص حلف ونذر از آن قول برای آنست که در بعضی
احادیث هر یک منهی است نهی از نذر چنانکه فرموده است لا تنذروا فانکم
تنذرون لکی تنالوا بالنذر شیئا لم یقدره الله لکم وتصرفون به عنکم ما جری به القضاء
فاذا نذرتم ولم تعتقدوا هذا فاخرجوا عنه بالوفاء فان الذی نذرتموه

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 